

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ

از آنجا که موضوع حجاب، در ماه‌های اخیر به یکی از مسائل اصلی کشور تبدیل، و در این زمینه سؤالات، ابهامات و شبهاتی طرح شده، و وضعیت بدحجابی در جامعه اسلامی رو به افزایش است، ما امضاکنندگان این بیانیه، به عنوان نمایندگان رسمی طلاب و فضیلاب حوزه علمیه قم، با احساس تکلیف اخلاقی، شرعی و ملی، نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱. حجاب از احکام اجتماعی و از ضروریات دین اسلام است و آیات قرآن کریم و روایات فراوان و نیز منابع متعدد فقهی بر رعایت آن تأکید کرده‌اند. از جمله حکمت‌های مهم تشریح حکم حجاب را می‌توان ایجاد امنیت روانی، حفظ و استحکام سلامت اخلاقی خانواده و جامعه، و ارزش نهادن به حیا و عفاف برشمرد. زیان‌های بی‌حجابی برای جامعه و به‌ویژه خانواده‌ها، امری انکارناپذیر است؛ به همین سبب، صرف‌نظر از دیدگاه اسلام، حجاب، در دیگر ادیان الهی و نیز تاریخ ایران موضوعی ریشه‌دار بوده است و معمول جوامع نیز -البته با تفاوت‌هایی در نحوه و میزان- به آن اهتمام داشتند. اما مع‌الأسف از یکی دو سده قبل به این سو، سیر بدحجابی و بی‌حجابی در جوامع غربی شکل گرفت، و آثار و تبعات تنزل فرهنگی در جوامع مزبور، امروزه به وضعیت ناخوشایند، غیر اخلاقی و بلکه غیرانسانی منجر شده است؛

۲. اجرای احکام اجتماعی اسلام، از وظایف ذاتی و اصلی حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی در کنار تعلیم و تربیت و ترویج ارزش‌های دینی، که وظیفه دیگر او به‌شمار می‌رود، موظف به اجرای قوانین اجتماعی اسلام از جمله حکم حجاب است. در همین راستا، به رغم آنکه برخی اختلاف نظرها در میان فقها درباره

اعمال مراتب بالای امر به معروف و نهی از منکر از جانب افراد جامعه بدون اذن حاکم شرع وجود دارد، اما مشروعیت الزام مردم به عمل طبق قوانین اجتماعی اسلام از جمله حجاب از سوی حکومت اسلامی، امری اجتماعی و غیرقابل تردید است. وجود الزام در موضوع پوشش، البته منحصر به حکومت اسلامی نیست و معمول حکومت‌ها حتی دولت‌های غربی نیز درباره‌ی نوع لباس و پوشش در جامعه خود قوانینی دارند؛ هر چند در محدوده آن تفاوت وجود دارد. نبود الزام در حجاب و پوشش، در واقع به معنای جواز برهنگی کامل در اجتماع خواهد بود؛

۳. زیر سؤال بردن الزام حاکمیتی در باب اجرای حکم حجاب با تمسک به اصل «اختیار انسان و عدم اجبار در دین» یا استناد به «عدم نقل تاریخی از الزام به حجاب در حکومت پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ» یا ادعای «لزوم اکتفا به تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی»، ناشی از جهل به اصول اولیه اسلام، ضعف آگاهی درباره وضعیت تاریخی حجاب در صدر اسلام، و نیز غفلت از روندهای جاری عقلایی در جوامع است. نبود اجبار و اکراه در دین، ناظر به بُعد فردی و اصل پذیرش اسلام است که باید با اعتقاد همراه باشد؛ در حالی که الزام به حجاب، حکمی اجتماعی و قانونی است که تمام شهروندان جامعه اسلامی را در برمی گیرد؛ در صدر اسلام نیز پس از نزول آیات ملزمه حجاب و در سایه حاکمیت پیامبر ﷺ، حجاب تثبیت شد و زنان جامعه اسلامی خود را موظف به اجرای حکم می‌دانستند و در مقام عمل تبعیت می‌کردند؛ به همین سبب، بدحجابی تبدیل به معضل نشد تا حاکمان اسلامی با آن برخورد کنند و در تاریخ ثبت شود. از سوی دیگر، به‌رغم آنکه آگاهی دادن و انگیزه‌بخشیدن به افراد جامعه درباره تعالیم اسلام و عمل به آنها از تکالیف مهم حکومت اسلامی است، اما این امر نه تنها نافی الزام دولت به اجرای احکام اجتماعی نیست، بلکه اجبار حاکمیت، تکمیل‌کننده آگاهی و انگیزه‌بخشی مردم است. غالباً، بدون این الزام‌ها، فرهنگ شکل نمی‌گیرد و بخشی از فرهنگ‌سازی، با انجام امور سلبی و اجرای قانون محقق می‌شود؛ چنان‌که درباره موضوعات دیگر از قبیل مبارزه با توزیع و مصرف مواد مخدر و مقابله با بیماری‌های اپیدمیک، همین رویکرد جاری است؛

۴. درباره اقدامات صورت گرفته در جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با بدحجابی، و در جهت پاسخ به برخی شبهات در زمینه الزام به حجاب، نکاتی در خور ذکر است:

**الف)** از میان هزاران مورد بر خورد با بدحجابی، برجسته کردن چند بر خورد احتمالاً نادرست مأموران نیروی انتظامی با بدحجابان در طول سالیان گذشته، و صدور حکم کلی بر اساس آن موارد جزئی، امری غیر عقلایی است و ریشه در غرض ورزی یا اثرپذیری از احساسات دارد؛

**ب)** مأموریت نیروی انتظامی در زمینه حجاب، عمدتاً اجرای مقررات است نه اقناع متخلف؛ چنان که درباره مقررات دیگر مانند راهنمایی و رانندگی چنین است؛

**ج)** کوتاهی دیگر نهادهای مسئول در حوزه حجاب و عفاف از جمله نهادهای فرهنگی، نباید دستمایه حکم به تعلیق قوانین و تعطیل اقدامات نیروی انتظامی شود؛ بلکه باید سبب بازخواست و فشار به نهادهای دیگر برای عمل به وظایفشان گردد؛

**د)** اگر مشکلات اقتصادی و در اولویت بودن حل آنها و نیز وجود پاره‌ای بی‌عدالتی‌ها و امور غیرشرعی در جامعه، مجوز چشم‌پوشی از اجرای قوانین مربوط به حجاب یا کوتاه آمدن در این زمینه باشد، لازم می‌آید به توقف اجرای قوانین متعدد و تعطیلی نهادهای پرشمار غیراقتصادی حکم شود!!! در حالی که بر اساس حکم بدیهی عقل و شرع، اولویت داشتن یک امر، مجوز یا مصحح و گذاشتن امور دیگر نیست. باید قوانین و احکام حوزه اجتماعی اسلام در همه زمینه‌ها اجرایی شود، و حکومت اسلامی موظف به پی‌گیری تمام آنهاست؛

**ه)** با توجه به کوتاهی‌های صورت گرفته در سالیان گذشته در مقابله با پدیده بدحجابی و در نتیجه شیوع و گسترش نسبی آن، طبعاً در مقام اجرا باید به صورت تدریجی با این منکر اجتماعی برخورد کرد و ابتدا با مظاهر شدیدتر (مانند برداشتن روسری) برخورد شود. بر این اساس، نادرستی این سخن که «به دلیل گسترش بدحجابی و عدم امکان اجرای قوانین مربوطه به صورت کامل، باید آن را کنار گذاشت» روشن می‌شود؛

و) اینکه با استناد به حقوق شهروندی، «بر خورد با افراد بدحجاب ساختار شکن و ایجاد محرومیت برای آنان ظلم دانسته شود»، کاملاً مخدوش است؛ زیرا تنبیه متخلفان از قانون، لازمه اجرای قانون است و محرومیت از برخی حقوق شهروندی با تشخیص و حکم قانون گذار، می تواند از جمله موارد تنبیه و مجازات در نظر گرفته شود؛ بنابراین نه تنها چنین محرومیتی ظلم نیست، بلکه مقتضای عدالت است و نبود چنین محرومیتی، بی عدالتی در حق دیگر افراد جامعه خواهد بود؛

ز) شیوه مواجهه با خلاف شرع در جامعه دارای حاکمیت اسلامی، متفاوت با جوامع دیگر است. جامعه محروم از حاکمیت اسلام، ظرفیت کمتری برای اعمال و تحقق تعالیم اجتماعی شرع دارد؛ به همین سبب، در چنین جامعه‌ای، غالب تشکّل‌ها و مجامع سیاسی اسلامی از اقتدار کافی برای «الزام افراد جامعه به عمل طبق احکام اجتماعی اسلام» برخوردار نیستند و به «حداقل‌ها» و «قدر مقدورها» بسنده می کنند. از آنچه ذکر شد، روشن می شود مقایسه میان نظام جمهوری اسلامی ایران با برخی تشکّل‌های سیاسی اسلامی (مانند حزب الله لبنان) در نحوه مواجهه با بدحجابی، و ترجیح دادن الگوی عملی و قدر مقدور تشکّل‌ها بر قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی در موضوع حجاب، تا چه میزان با واقعیت و موازین شرعی فاصله دارد؛

ح) نسبت دادن «گسترش بدحجابی» به «عکس العمل منفی در قبال اقدامات نیروی انتظامی در الزام به حجاب» و برجسته کردن این عامل، بیش از آن که برخاسته از تحلیل علمی و بررسی جامعه‌شناختی باشد، نشأت گرفته از غرض ورزی یا برخورد احساسی و سطحی است؛ چرا که با وجود عوامل متعدد زمینه‌ساز گسترش بدحجابی (از قبیل حمله فرهنگی دشمنان، برخورد انفعالی برخی مسئولان، فضای مجازی رهاشده و عدم مدیریت تولید و فروش پوشاک)، انتظار کاهش وضعیت بدحجابی، منطقی نخواهد بود. به همین سبب، به جد معتقدیم اگر همین میزان اقدامات بازدارنده نیروهای انتظامی نمی بود، وضعیت حجاب در جامعه قطعاً بدتر از وضع موجود بود؛

ط) استدلال به «مخالفت عده‌ای از مردم با مقررات مربوط به حجاب و ایجاد تفرقه و اختلاف میان افراد جامعه» برای «چشم پوشی از اجرای قوانین مرتبط با حجاب یا کوتاه آمدن در این زمینه»،

مخدوش است؛ زیرا صرف نظر از ناسازگاری این گزاره با تعالیم اسلامی، لازمه پذیرش آن، تعطیلی و کنار گذاشتن قوانین متعددی است که عده‌ای از افراد جامعه با آن مخالف‌اند. در همین زمینه به دو نکته باید توجه کرد: ۱. مقام «جلوگیری از تخلف از قانون و هنجارهای جاری»، با مقام «حیای ارزش‌های متروک و ممانعت از بدعت‌های رایج» متفاوت است؛ چرا که در مقام اول، ناهنجاری تثبیت نشده است و با قدرت محدود می‌توان از تخلف افراد از قانون ممانعت کرد؛ برخلاف مقام دوم که حاکمیت برای جلوگیری از بدعت‌های تثبیت شده، نیازمند تولید اقتدار بالایی است. بر این اساس، استناد به «برخی رفتارها و فرمایشات امیر مؤمنان علیه السلام در باب جلوگیری نکردن از برخی بدعت‌های رایج آن عصر»، برای «حکم به لزوم دست کشیدن از اجرای قوانین مربوط به حجاب در ایران امروز» نادرست خواهد بود؛ ۲. القای فراگیر بودن نارضایتی مردم از الزام به حجاب، و متقابلاً القای ناتوانی حکومت از اجرای قوانین و مقررات مرتبط با آن، خود عامل گسترش بدحجابی و در نهایت تحمیل تعطیلی قوانین بر جامعه است. چنین القائاتی، نشان‌دهنده وجود اختلال در محاسبات برخی مسئولان و نخبگان در نتیجه فضا سازی رسانه‌ای مخالفان و دشمنان، و بالا بردن پرچم تسلیم در حین کارزار است؛ کارزاری که در صورت مقاومت و تقویت امید و رفع نواقص، موفقیت و پیروزی رادری خواهد داشت؛

۵. هر قانونی در مقام اجرا ممکن است با ضعف‌ها، ایرادها، آسیب‌ها و پیامدهایی سوء همراه باشد. این ضعف‌ها و ایرادها باید شناسایی و برطرف شوند. اما زیر سؤال بردن قانون ارزشمند و نفی آن به بهانه برخی ضعف‌ها و پیامدهای سوء، خلاف عقل و شرع است. نیروی انتظامی نیز به عنوان مسئول تأمین امنیت اجتماعی و اخلاقی جامعه، از برخی ضعف‌ها و ایرادها همچون ضعف در رعایت همه ضوابط و مراتب برخورد با منکر و قانون‌شکنی، عدم اجرای قوانین و مقررات عفاف و حجاب در برخی مناطق از جمله سواحل، و تسامح در مواجهه با پاره‌ای از ناهنجاری‌ها مانند بدحجابی سلبریتی‌ها، به‌دور نبوده است. همچنین، چنان‌که اشاره شد، غیر از نیروی انتظامی، نهادهای متعدد دیگری در امر حجاب مسئولیت دارند که اغلب آنها، در انجام دادن

وظایف و تکالیف خود قصور یا تقصیر داشته‌اند. از مهم‌ترین کوتاهی‌ها در این زمینه، عدم اجرای قوانین و مقررات حجاب در مورد کارمندان دولت است. بر این اساس، قاطعانه از نیروی انتظامی و دیگر مسئولان و متولیان امر به‌ویژه رؤسای سه قوه خواستاریم که حکم ضروری حجاب را با شیوه‌های مناسب‌تر و به‌صورت کامل و جدی‌تر اجرا کنند؛

۶. لازم می‌دانیم دولتمردان در کنار برنامه‌ریزی و اقدامات فرهنگی اثرگذار و مقابله با مظاهر بدحجابی، با ریشه‌های این پدیده از جمله فعالیت شبکه‌های هدایت‌شده از سوی مخالفان و دشمنان، وجود افراد منحرف به عنوان مسئول و مشاور در بدنه حاکمیت، برخی برنامه‌های نادرست در صدا و سیما و وزارت خانه‌های ارشاد و گردشگری، و نیز عدم نظارت بر وضعیت تولید و فروش پوشاک مقابله کنند. در این میان، فضای مجازی لجام گسیخته، نقش بسیار مهمی در وضعیت بوجود آمده در زمینه حجاب داشته است. مرزهای حیا، غیرت و حجاب که نه تنها اقتضای فطرت پاک انسانی است، بلکه ریشه‌هایی هزاران‌ساله در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما دارد، در سال‌های اخیر در نتیجه فضای مجازی رها شده و تحت مدیریت دشمنان چنان جابه‌جا شده است که گروهی علناً میل به بی‌حیایی پیدا کرده‌اند و بعضاً با افتخار از خود و نزدیکان بدحجاب و نیمه برهنه‌شان عکس و فیلم تهیه و در گستره‌ای جهانی منتشر می‌کنند! راه درست مواجهه با چنین فضایی و احیای فطرت پاک الهی، صرفاً تبلیغ و ترویج عفت، حیا، غیرت و حجاب نیست؛ بلکه عوامل مخرب و انحرافی نیز باید مهار و ریشه‌کن شوند؛ حتی می‌توان گفت کنترل و از بین بردن عوامل انحراف، بر تبلیغ و ترویج و ارشاد اولویت دارد. بر این اساس، از مسئولان امر مجدانه خواستاریم سکوهای خارجی فاقد مجوز که به قوانین کشور پایبند نیستند را مسدود، و با حمایت از سکوهای داخلی، بر عملکرد آنها نظارت نمایند. اگر به جوانان انقلابی و مراکز دانش‌بنیان میدان داده شود، پلتفرم‌ها و سکوهای بی‌مراتب بهتر و کارآمدتر از موارد مشابه خارجی تولید خواهند کرد و در سایه نظارت دقیق بر عملکرد آنها، مردم جامعه ما، بلکه خارج از مرزهای ایران، از مزایای این ابزارها بدون مبتلا شدن به انواع آسیب‌ها، بهره‌مند خواهند شد؛

۷. امروز تردیدی باقی نمانده است که پدیده بدحجابی از خارج مرزها مدیریت می شود و مقابله با حجاب در ابعاد یک پروژه پیچیده و چندوجهی اجتماعی و هویتی دنبال می گردد. با کوتاه آمدن مسئولان در این زمینه، قطعاً دشمنان گستاخ تر می شوند و مسائل دیگری را برجسته خواهند کرد. حجاب البته از نخستین سنگرهاست و جنبش های اجتماعی و انقلاب زنانه، طراحی پسینی دشمن است و این وضعیت تا استحاله نظام اسلامی و از بین رفتن ارزش های اسلامی و اخلاقی ادامه خواهد یافت. بنابراین مقابله با پدیده بدحجابی نه فقط به عنوان یکی از مظاهر فساد و بی دینی، بلکه به عنوان یک پروژه ضدامنیتی و ضد هویتی باید در دستور کار قرار گیرد. مع الاسف برخی مسئولان و نخبگان اجتماعی، مسئله ای با این درجه از اهمیت را بسیار ساده و سطحی تحلیل می کنند. به هر حال، راهبرد اصلی نظام اسلامی را رهبر حکیم آن تعیین می کنند، و در موضوع حجاب نیز تکلیف از جانب ایشان مشخص شده است. نمونه ای از بیانات ایشان چنین است:

«من می خواهم مسئله حجاب را ذکر کنم و اشاره کنم: پول های زیادی خرج می کنند، فعالیت زیادی می کنند، صدها رسانه را - از انواع و اقسام رسانه ها- به کار می گیرند برای این که بتوانند روی این نقطه حساس، [یعنی] نقطه هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان، اثرگذاری کنند؛ دشمنان ما واقعاً خودشان را در خارج از کشور [برای این کار] می کشند؛ از طرق مختلف؛ حالا چقدر پول خرج می شود برای اینکه بتوانند این تلویزیون ها و این رادیوها و این فضای مجازی و این سایت های اینترنتی را به کار بیندازند - مدام تبلیغ بکن، بگو، بگو، صد بار- که چه بشود؟ که نتیجه اش بالاخره این بشود که مثلاً فرض کنید چهار دختر فریب بخورند و در خیابان جابشان را بردارند. این همه خرج، این همه زحمت، این همه فکر، پشت سر این کار است، دارند تلاش می کنند، [اما] تلاششان عقیم است؛ نتیجه اش این است که چهار نفر - حالا چهار دختر در گوشه کناری- فریب بخورند یا انگیزه های گوناگونی پیدا کنند؛ بعضی شان هم ممکن است پول بگیرند -حالا من نمی دانم، نمی توانم قطعاً بگویم- و این روسری را از سرشان بردارند یعنی مثلاً ما چه شدیم! نتیجه همه آن تلاش، خلاصه می شود در این نتیجه کوچک حقیر.

خب، تا اینجا مسئله ای نیست؛ [اما] آنچه بنده را حساس می کند، این است که ناگهان شما می بینید از دهان یک گروهی از افرادی که جزو خواص محسوب می شوند، مسئله «حجاب اجباری» مطرح می شود؛ معنایش این است که یک عده ای نادانسته -حالا من می گویم نادانسته؛ ان شاء الله نادانسته است- همان خطی را دنبال می کنند که دشمن با آن همه خرج نتوانسته است آن خط را در کشور به نتیجه

برساند؛ همان خط را دارند دنبال می‌کنند؛ در بین اینها روزنامه‌نگار هست، در بین اینها روشنفکرانما هست، در بین اینها آخوند و معمم هست. [می‌گویند] «امام که فرمودند باید زن‌ها باحجاب باشند، همه زن‌ها را نگفتند!» حرف بی‌خود! ما بودیم آن وقت، ما خبر داریم؛ چطور این جور است؟ **امام در مقابل یک منکر واضحی که به وسیله پهلوی و دنباله‌های پهلوی در کشور به وجود آمده بود، مثل کوه ایستاد، گفت باید حجاب وجود داشته باشد...**

ما که نگفتیم اگر کسی در خانه خودش در مقابل نامحرم روسری‌اش را برداشت، ما او را تعقیب می‌کنیم؛ [خیر.] ما او را تعقیب نمی‌کنیم؛ در خانه خودش است، کار شخصی می‌کند. آن کاری که در ملاً انجام می‌گیرد، در خیابان انجام می‌گیرد، یک کار عمومی است؛ یک کار اجتماعی است؛ یک تعلیم عمومی است. این [خطا]، برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده است تکلیف ایجاد می‌کند. حرام، کوچک و بزرگ ندارد؛ آنچه حرام شرعی است، نبایستی به صورت آشکار در کشور انجام بگیرد. حالا یک نفر یک غلطی برای خودش می‌کند، [به] کنار. آن، بین خودش و خداست؛ اما آنچه در مقابل چشم مردم است، در محیط جامعه است، **حکومت اسلامی - مثل حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، مثل حکومت پیغمبر صلی الله علیه و آله - وظیفه دارد در مقابل آن بایستد.** این منطقی که می‌گوید «آقا شما اجازه بدهید مردم خودشان انتخاب بکنند»، خب در مورد شراب‌فروشی هم هست. شراب را هم آزاد کنیم در کشور! هر کسی خودش دلش می‌خواهد بخورد، هر کس نمی‌خواهد نخورد! این حرف شد؟! در مورد همه گناهان بزرگ اجتماعی، این حرف وجود دارد؛ این حرف شد؟! **شارع مقدس بر حکومت اسلامی تکلیف کرده است که مانع از رواج حرام الهی در جامعه بشود. حکومت اسلامی موظف است در مقابل حرام بایستد؛ در مقابل گناه بایستد.**

امروز ما در داخل کشور، مفتخریم به حجاب زنانمان؛ زنان ما با چادر - که یک حجاب ایرانی است؛ چادر، حجاب ایرانی است - و با حجاب اسلامی، به بالاترین رتبه‌های علمی رسیده‌اند، به بالاترین رتبه‌های هنری و فرهنگی رسیده‌اند، جزو برجسته‌ترین‌ها شدند، در مسائل اجتماعی اثرگذاری کردند؛ در عین حال خانه‌داری‌شان را هم کردند، بچه‌شان را هم تربیت کردند، شوهرداری هم کردند. **اینکه ما بیاییم قوانین را همین‌طور دائم دور بزنیم برای اینکه یک جوری میل غلط انحرافی فرهنگ غربی را در کشورمان ایجاد کنیم، خطای بزرگی است. یک عده‌ای این خطا را می‌کنند»** (بیانات در تاریخ

؛(۱۳۹۶/۱۲/۱۷)



۸. برخورد با بدحجابی و بی‌حجابی، چه از سوی آحاد جامعه و چه از سوی حاکمیت، به معنای رفتارهای بی‌ضابطه و اتهام‌زنی‌های نابجا نیست؛ بلکه مواجهه باید دلسوزانه و همراه با رعایت اصول و نکات شرعی و قانونی باشد. وظیفه افراد در باب امر به معروف و نهی از منکر، عمدتاً تذکر زبانی است، و در همین راستا، شایسته است افراد متدین و انقلابی با برقراری ارتباط سازنده با کسانی که حجابی ضعیف دارند، آنها را راهنمایی و ارشاد کنند. اما در صورت عدم تأثیر، نمی‌توانند برخورد قهری داشته باشند، بلکه در موارد حاد بدحجابی، باید از طریق مسئولان ذی‌ربط پی‌گیری کنند. حاکمیت نیز به‌رغم برخورداری از اقتدار، مکلف به عمل طبق ضوابط و رعایت مراتب طولی در برخورد با موارد تخلف است. در همین زمینه، چنان‌که در بخشی از بند چهارم گذشت، با توجه به کوتاهی‌های صورت گرفته در سال‌های گذشته در مقابله با پدیده بدحجابی و در نتیجه شیوع و گسترش نسبی آن، طبعاً متولیان امر ابتدا لازم است با افراد دارای مظاهر شدید بدحجابی - به‌طور مشخص زنانی که حجاب از سر برداشته‌اند و اصطلاحاً بی‌حجاب خوانده می‌شوند - برخورد بازدارنده داشته باشند. بر اساس توضیحات یادشده، فرمایش اخیر مقام رهبری در جمع بانوان درباره حجاب به‌درستی فهم می‌شود که فرمودند:

«حجاب یک ضرورت شریعتی است؛ شریعت است؛ ضرورت شرعی است؛ یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد. این را همه باید بدانند. اینکه حالا خدشه کنند، شبهه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است، نه؛ جای خدشه و شبهه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود؛ منتها آن کسانی که حجاب را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند، اینها را نباید متهم کرد به بی‌دینی و ضدانقلابی؛ ... بدحجابی یا ضعف حجاب درست نیست، اما این موجب نمی‌شود که ما این [افراد] را از حوزه دین و انقلاب و مانند اینها خارج بکنیم و خارج بدانیم. چرا؟ البته همه ماها یک نقص‌هایی داریم. باید نقص‌ها را برطرف کنیم؛ هرچه بتوانیم برطرف کنیم، بهتر است. ... در این قضایای اخیر، خوب دیدید دیگر، علیه حجاب خیلی کار شد؛ چه کسی ایستادگی کرد در مقابل این تلاش‌ها و فراخوان‌ها؟ خود زن‌ها؛ زن‌ها ایستادگی کردند. آنها امیدشان به همین زن‌هایی بود که شما به آنها می‌گویید بدحجاب؛ امیدشان به اینها بود. اینها امیدشان این بود که همین‌هایی که حجاب نیمه‌کاره دارند، بکلی کشف حجاب کنند [و روسری بردارند، ولی] نکردند؛ یعنی زدند تو دهن آن تبلیغ‌کننده و فراخوان‌فرستنده» (بیانات در تاریخ ۱۴/۱۰/۱۴۰۱)؛

۹. با وجود اهتمام مراجع معظم تقلید به مسائل فرهنگی از جمله مسئله حجاب، متأسفانه برخی نخبگان و مجامع حوزوی، فاقد موضع آشکار در نقد وضعیت نامطلوب جامعه درباره حجاب بوده، اقدام جدی و درخوری در جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات در این زمینه انجام نداده‌اند. ضمن گلایه از این امر، متذکر می‌شویم که حاشیه‌گزینی و عدم ورود جدی به مسائل و رخدادهای فرهنگی روز-به-ویژه در زمانه‌ای که برخی روحانیان کم‌سواد و غرب‌گرا اظهارنظرهای مخالف با شریعت می‌کنند و پایه‌گذار یا مروج بدعت‌نفی مشروعیت‌الزام به حجاب از سوی حکومت اسلامی هستند - نه تنها موجب کسب اعتبار و آبرو نمی‌شود، بلکه می‌تواند خروج تدریجی از صحنه تأثیرگذاری اجتماعی را در پی داشته باشد؛

۱۰. آنچه در بیانیه پیش‌رو مورد تأکید است، اصل مطالبه‌گری در خصوص تحقق مناسب و کامل حجاب در جامعه و مقابله با روند فزاینده بدحجابی است. طبیعتاً در صورت ایجاد دغدغه و اهتمام جدی در میان دولتمردان برای تحقق این فریضه مهم، طراحی دقیق جزئیات و راهکارهای اجرایی در دستور کار مسئولان امر قرار خواهد گرفت؛ چنان‌که خوشبختانه، طبق برخی گزارش‌ها، فعالیت‌هایی در این خصوص شکل گرفته است. در همین زمینه، خاطر نشان می‌سازیم برخی تشکّل‌ها و نهادها، به صورت خاص ستاد امر به معروف و نهی از منکر، افزون بر داشتن تجربیات ارزشمند در ترویج حجاب و مقابله با بدحجابی، به نگارش و ارائه راهکارهایی پرداخته‌اند که لازم است از آنها استفاده شود تا طرحی جامع، دقیق، مؤثر و کم‌هزینه تدوین و اجرایی گردد؛ طرحی که علاوه بر اجرای بهتر و گسترده‌تر حجاب، زمینه سوءاستفاده دشمنان، خدشه‌دار شدن کرامت انسانی افراد و درگیری میان مردم با مردم را از بین ببرد یا کاهش دهد.

در پایان، به مسئولان محترم یادآور می‌شویم که تحت تأثیر فشارهای دشمنان، غرب‌گرایان و هجمه‌های رسانه‌ای آنان قرار نگیرند. عدم اهتمام و اقدام جدی در جهت اجرای حکم حجاب در جامعه، خیانت به اسلام، نظام اسلامی، خون شهیدان و ملیت ایرانی خواهد بود. والسلام علی عبادالله الصالحین.

مجمع نمایندگان طلاب و فضیلابی حوزه علمیه قم / فروردین ۱۴۰۲